

"Determination of the continental shelf and resources of the Caspian Sea in the Kazakhstan Convention"

Abstract

The Caspian Sea is a source of oil and maritime highways for its peripheral countries, and Iran, like its other partners in the Caspian Sea, is concerned about its own interests. One of the doubts raised by many critics is that During the signing of the Caspian Sea Legal Regime Convention, Iran withdrew its rights. And in the case of the exploitation of the continental shelf, this argument is not very scientific and based on legal principles, because the discussion about the Caspian legal regime is not related to the last one or two years after the collapse of the Soviet Union in 1991 until now the discussion about reaching a legal agreement on shares Caspian littoral states are underway. The fact is that before the collapse of the Soviet Union, Iran and Russia controlled the entire sea, which after the collapse of Turkmenistan, Kazakhstan and Azerbaijan were added to Russia and formed five coastal states that have to comment on the lake. This has led to more than two decades of debate over the legal regime of the Caspian Sea. According to the Ministry of Foreign Affairs, during these 21 years, many protocols have been proposed on various issues, including the protection of the Caspian Sea environment, fishing in this sea, and finally the comprehensive legal convention of the Caspian Sea, which has been the main topic of our negotiations for the last 21 years. , Concluded.

Keywords: Caspian legal regime, continental shelf, Kazakhstan convention, Iran's interests

بررسی تعیین فلات قاره و منابع دریای خزر در کنوانسیون قزاقستان

مینا قلیچ خان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

مسعود راعی دهقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

علیرضا آرش پور^۳

چکیده:

دریای خزر برای کشورهای حاشیه ای آن به معنای منبع و گنجینه نفت و شاهرگ دریایی محسوب می شود و ایران نیز همانند سایر شرکای خود در دریای خزر نگران منافع خود می باشد یکی از شبهات مطرح شده که بسیاری از منتقدان بر آن تمرکز دارند این است که جریان کنوانسیون حقوقی دریای خزر، ایران از منافع حقوقی کم کرده است. و در حق بهره برداری از منطقه فلات قاره این استدلال چندان علمی و برا اساس مبانی حقوقی نیست، زیرا بحث پیرامون رژیم حقوقی خزر مربوط به یک یا دو سال گذشته نیست بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ تا کنون بحث پیرامون حصول توافق حقوقی پیرامون سهم کشورهای ساحلی خزر در جریان است. واقعیت این است که قبل از فروپاشی شوروی، ایران و روسیه کل این دریا را در اختیار داشتند که بعد از فروپاشی ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان به روسیه اضافه شده و پنج کشور ساحلی را تشکیل دادند که باید درباره دریاچه نظر دهند. همین مساله باعث شده که بیش از دو دهه بحث حقوقی این دریا مطرح باشد. بر اساس اعلام وزارت خارجه، در طول این ۲۱ سال پروتکل های زیادی با موضوعات مختلف از جمله نگهداری محیط زیست، ماهی گیری در این دریا مطرح شده و در نهایت نیز کنوانسیون جامع حقوقی دریای خزر که موضوع اصلی مذاکرات ما در ۲۱ سال اخیر بوده، به نتیجه رسید.

کلید واژه: رژیم حقوقی خزر، فلات قاره، کنوانسیون قزاقستان، منافع ایران

دانشجوی دکتری گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد نجف اباد، دانشگاه ازاد اسلامی، نجف اباد، اصفهان.^۱ دانشیار

دانشکده حقوق بین الملل، واحد نجف اباد، دانشگاه ازاد اسلامی، نجف اباد اصفهان، ایران. نویسنده مسئول^۲

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.^۳

بدون تردید منافع کشورها در سطوح مختلف فعالیت های ویژه ی دریایی، بنابر موقعیت و استراتژیک جغرافیایی خاص خود، متفاوت است که این گونه منافع تا حدود زیادی، نحوه ی رفتار دولت ها را در عنوان حقوق دریاها با قوانین هست یا پیشنهادی تعیین می کند، که طبق کنوانسیون ۲۰۱۸ قزاقستان و سند تنظیمی آن، سطح آب خزر برای استفاده ی همه ی کشورهای مشترک خواهد بود و بستر خزر مطابق با قراردادهای امضا شده بین کشورهای همسایه بر اساس حقوق بین الملل در بین آن ها تقسیم می شود. اما مخالفان این کنوانسیون عمدتاً بر تایید ضمنی کنوانسیون مبنی بر حق ۱۱ درصدی ایران و کاهش سهم جمهوری اسلامی ایران از ۵۰ درصد به حداکثر ۱۳ درصد تاکید کردند. لازم به ذکر است که خط مبدا اساس و محور تقسیم بستر و زیر بستر و تعیین آب های سرزمینی و داخلی است که این خط به صورت دقیق در کنوانسیون ذکر نشده است. همچنین تقسیم بیشتر و زیر بستر به مذاکرات بعدی سپرده شده است. با عدم تعیین خط مبدا تعیین آب های سرزمینی نیز به امری مهم تبدیل شده است. با توجه به در نظر گرفتن خط مبدا مستقیم و عادی به عنوان روش تعیین خط مبدا، حدود ۶۴ درصد از آب های دریای خزر به صورت مشاع باقی می ماند. در کنوانسیون ۲۰۱۸ قزاقستان دو نوع رژیم سطح آب و بستر و زیر بستر پیش بینی شده است که تعیین این رژیم دارای اهمیت بسیار است. از چالش های حقوقی دیگری که در این کنوانسیون به چشم می آید بحث: عدم بهره گیری از قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ عدم تاکید صریح بر اصل انصاف - استناد زیاد به حقوق بین الملل، اهمیت اندک به محیط زیست و آلودگی های نفتی است و پیشنهادات راهبردی احتمالی برای رفع این مشکلات می تواند استفاده از اصل انصاف و خط میانه بهینه شده در تعیین خط مبدا - حضور نیروهای متخصص در تعیین حدود حقوقی مرزها، را نام برد. نتیجه ی نهایی، که از این کنوانسیون برای کلیه ی کشورهای حاشیه ای به دست آمد نیازمندی به تعیین رژیم حقوقی خاص برای این دریای پهناور است که در سایه ی این تدوین می توان منافع ایران را در عرصه های مختلف مخصوصاً حقوقی تامین کرد و در پرتوی آن به تعیین خط مبدا و اثرات ناشی از این تعیین حدود پرداخت. اساسی ترین سوال پژوهش این است که آورده های این کنوانسیون در خصوص فلات قاره و منابع موجود در آن چیست؟ فرضی بر این مبنا استوار است که وسعت فلات قاره و میزان شیب آن در بهره برداری منابع موجود ایران موثر است.

۲) کنوانسیون های بین المللی در تعیین فلات قاره و منابع در رژیم حقوق دریاها

تقریباً سه دهه از کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها گذشته است.^۱ این سند در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ اجرا گردید. و همچنین با بُعدهای حقوق بین المللی عمومی دریاها در ارتباط است بخش سیزدهم این سند در مورد مطالعات علمی دریایی، در تمرکز این نوشتار است، از این حیث در خود یک رژیم حقوقی ویژه برای فعالیت های پژوهشی در همه قسمت های دریا قرار داده است. تحقیقات علمی دریایی که فعالیت ها با اهدافشان انجام می گیرند، عملیات و وضعیت هر طرف شرکت کننده را معین می کند. این امر به طور صرف با لحاظ شرایط بر روی کاغذ انجام شود، مانند محدود کردن آزادی مطالعات علمی در نقاط مخصوصی از دریا، یا به طور عملی انجام گردد، مانند آنچه بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ تصویب شده که در آن، میان تحقیقات علمی (موضوع بخش سیزدهم)

بررسی مسئله طرح شده در این نوشتار، ضروری است که رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی قبل از کنوانسیون ۱۹۸۲، بررسی کنیم، و بعد از علم وضعیت تحقیقات قبل از رژیم جدید، به تبیین رژیم مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ اهتمام ورزیده، و در اثرات این رژیم بر علوم دریایی از تاریخ انعقاد کنوانسیون ۱۹۸۲ تا امروز را مورد بررسی قرار دهیم موثر است.

۳. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها

پیشرفت علم و فناوری در سال های گذشته و ورود دولت های جدید بر موضوع بین المللی که اکثراً از تجهیزات فناورانه بهره مند نبودند، ضعف حقوق قدیمی دریاها را دارد که توانایی حل مسایل نشأت گرفته از این فناوری ها و تقسیم یکسان منابع دریاها بین کشورها نبود. نظام جدید که به تبع در جبران نارسایی های نظام پیشین است، دارای دو هدف است: اول، تنظیم قوانینی جدید که پاسخگوی نیازهای برگرفته از پیشرفت علم و فناوری باشد، و دوم، رفع بی عدالتی هایی که در موضوع بهره

^۱ کنوانسیون سوم ملل متحد حقوق دریاها (UNCLOS III)، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ است که در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازمالاجرا گردید.

متن اصلی کنوانسیون به زبانهای ششگانه در تارنمای سازمان ملل متحد قابل دسترس است.

مندی از منابع دریاها بین کشورها دیده می‌شود. مذاکره کنندگان کنفرانس سوم ملل متحد، در تنظیم کنوانسیون ۱۹۸۲، دو هدف داشتند: اول، ضعیف کردن قانون پرچم، و دوم، تقویت آزادی دریانوردی.

از سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی یک گذار کمی از رژیم قدیم تحقیقات علمی دریایی، در کنوانسیون های ۱۹۵۸ حقوق دریاها، به رژیم نوین آن، در کنفرانس حقوق دریاها در سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ معرفی شد، رخ داد.^۲

۱ رژیم قدیم به نظر ساده بود: در طول سه مایل ناحیه ی دریایی سرزمینی، حاکمیت کشور ساحلی هر اقدام مربوط به تحقیقات علمی دریایی را در اختیار و کنترل داشته، و در آن طرف منطقه ی دریای سرزمینی هرگونه اقدام به تحقیقات علمی دریایی، مبتنی بر پایه آزادی دریای آزاد به صورت می گرفت.

۲ رژیم نوین تحقیقات علمی دریایی فرق دارد. کنوانسیون ۱۹۸۲ حاوی یک رژیم حقوقی کامل برای انجام تحقیقات علمی دریایی می باشد. گرچه این رژیم در سال ۱۹۹۴ تنها برای کشورهای عضو آن لازم الاجرا شد، ولی تا الان اکثریت از دولتها به عضویت آن در آمده اند و مقررات آن قبل از این، انعکاس کننده حقوق بین الملل عرفی بوده و از روش عملکرد متعاقب نیز مورد تأیید شده اند.

۴ نقش و جایگاه کنوانسیون قزاقستان در تعیین فلات قاره و منابع رژیم حقوقی دریای

خزر

فلات قاره شامل دو تعریف است. از دید جغرافیایی، تمام خشکی های زمین توسط حاشیه ای در ژرفای کم زیر آب پهنای ۱۶۰ کیلومتر احاطه گردیده که شیب این حاشیه اول کم و بتدریج افزایش می گردد تا جایی که شیب یکدفعه بالا رفته و به طور سکو به کف دریا می پیوندد لبه خارجی این سکو در ژرفای ۲۰۰ متر است که به آن فلات قاره یا سکوی ساحلی می

^۱ برای مطالعه مبسوط پیرامون نحوه شکلگیری و تکامل این روند ر.ک به:

^۲ Deventer, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1982, 261-262. H. A. Soons, Marine scientific research and the law of the sea,

گویند. (میرحیدر ۱۳۸۲، ۱۹۵) خلیج فارس به علت عمق کم و پهنای بین ۲۰۰ تا ۳۶۰ کیلومتر، بر روی یک فلات قاره قرار گرفته و لبه سکو در تنگه هرمز نمایان می‌گردد. (میرحیدر ۱۳۸۲، ۱۹۵)

۴-۱ تعیین فلات قاره با توجه به کنواسیون قزاقستان

آنجایی که دریای خزر در قلمرو هیچ دولتی قرار نگرفته است و در واقع منطقه‌ایماورای صلاحیت ملی دولتهای ساحلی است و رژیم حقوقی آن میبایست با توافق دولتهای مذکور نگاشته شود. (بای، ۱۳۸۴، ۱)

جمهوری قزاقستان به عنوان یکی از جمهوریهای تازه استقلال یافته از شوروی، بر عدم اعتباری قراردادهای منعقدہ بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و ضرورت قسمت کردن دریای خزر میان پنج دولت همجوار آن اصرار دارد. از نظر قزاقستان حقوق بین الملل دریاها در خزر قابل اقتباس است (دهقان، پیشین ۱۳۸۴، ۱۵۱)

متن کنواسیون اگرچه راجع به تقسیم دریای خزر نبوده و صرفاً چارچوب کلی آن را مشخص می‌نماید، اما از منظر نیل به توافق مشترک پس از سال‌ها مذاکره و توسعه همکاری‌های چند جانبه، دستاوردی مهم برای دیپلماسی کشور محسوب می‌گردد. انعقاد این کنواسون نه تنها به وضعیت مبهم حقوقی حاکم بر بسیاری از مسائل دریای خزر پایان داد بلکه با اثبات استواری ایران بر اصولی همچون همزیستی مسالمت‌آمیز، صلح‌جویی و اعتقاد راسخ به اصل برد-برد در حل مسائل بین کشورها با لحاظ سابقه گفت‌وگوها در موضوعات کلیدی که نمایانگر جدیت و عمل‌گرایی ایران در برقراری صلح و ثبات در جهان است؛ نگاه جهانیان را به وضعیت ایران در برابر عهدشکنی امریکا و تحریم‌های ظالمانه‌اش تحت تأثیر قرار داد. اما درخصوص نحوه بهره‌برداری از منطقه فلات قاره با ابهامات و اجمالاتی روبه‌رو هستیم ماده ۸ کنواسیون مقرر می‌دارد که: «تعیین حدود بستر و زیربستر دریای خزر به قسمت‌ها باید از روش توافق بین دولت‌ها با سواحل کنار و مقابل، با وجود اصول و موازین حقوق بین‌الملل به منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره‌برداری از منابع زیربستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیربستر انجام شود. کشور ساحلی برای احداث، و نیز تجویز و تنظیم مقررات برای احداث، عملیات و بهره‌مندی از جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها در داخل بخش خود، از حق انحصاری برخوردار خواهد بود. کشور ساحلی می‌تواند در صورت لزوم حریم‌های ایمنی در اطراف جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها به منظور تضمین ایمنی دریانوردی و جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها ایجاد نماید. عرض حریم‌های ایمنی نباید از ۵۰۰ متر در اطراف آنها که از هر نقطه از لبه خارجی این جزایر مصنوعی، سازه‌ها و

تاسیسات اندازه‌گیری می‌شود بیشتر شود. مختصات جغرافیایی چنین سازه‌هایی و گستره حریم‌های ایمنی باید به همه طرف‌ها اعلام شود. کلیه کشتی‌ها باید این حریم‌های ایمنی را اجرا کنند. اعمال حقوق دولت ساحلی به موجب بند ۱ این ماده نباید به نقض حقوق و آزادی‌های سایر طرف‌ها مصرح در این کنوانسیون یا ایجاد اختلال ناروا برای تحقق آنها منجر شود»

همچنین در ماده ۹ هر طرف یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریایی را تعیین خواهد کرد. تعیین حدود مناطق ماهیگیری باید به موجب توافق دولتها و با اصول و موازین حقوق بین‌الملل صورت گیرد. هر طرف در منطقه ماهیگیری خود از حق برداشت منابع زنده، موافقتنامه‌های جداگانه منعقد توسط طرف‌ها براساس کنوانسیون و قوانین ملی خود برخوردار خواهد بود. طرف‌ها بر اساس این کنوانسیون و سازکارهای بین‌المللی تمام صید مجاز منابع زنده آبی مشترک در دریای خزر را مشترکاً تعیین و آن را به سهمیه‌های ملی تقسیم خواهند کرد. چنانچه یکی از طرف‌ها امکان برداشت تمامی سهمیه خود از کل صید مجاز را نداشته باشد، می‌تواند از طریق انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه یا از طریق ترتیبات دیگر طبق قوانین ملی خود، دسترسی به باقیمانده سهم خود از کل صید مجاز را به طرف‌های دیگر اعطاء کند. شرایط و شیوه‌های برداشت منابع زنده آبی مشترک در دریای خزر باید طبق موافقتنامه جداگانه منعقد توسط همه طرف‌ها تعیین شود.

در این دو ماده تعیین حدود فلات قاره مشخص نشده و حتی به نحو استفاده از منابع بستر دریا واضح نیست و در انتهای ماده تنها بیان شده که کشورهای عضو کنوانسیون می‌تواند از طریق انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه یا از طریق ترتیبات دیگر طبق قوانین ملی خود، دسترسی به باقیمانده سهم خود از کل صید مجاز را به طرف‌های دیگر اعطاء کند. شرایط و شیوه‌های برداشت منابع زنده آبی مشترک در دریای خزر باید طبق موافقتنامه جداگانه منعقد توسط همه طرف‌ها تعیین شود.

حقوق دولت ساحلی در منطقه حقوق حاکمیت ارضی نیست، بلکه حقوقی محدود به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره است با نگاهی به مفاد کنوانسیون و ماده ۸ و ۹ نمی‌توانیم نسبت به این امور اقدام نماییم چرا که در این مورد مسکوت است. این منابع طبیعی شامل؛ منابع معدنی (بیشتر معادن دریایی از فلات قاره استخراج می‌شوند در ضمن دولت‌ها نباید در حین اعمال این حقوق به مداخله در امر کشتیرانی، ماهیگیری و پژوهش‌های علمی دست زنند یا مانع از نصب و حفاظت و نگهداری از کابل‌های زیردریایی و خطوط لوله شوند. در توضیحی که از کنوانسیون ارائه شد (علیرضا افشاری (۱۳ مهر ۱۳۹۷). پس از امضای این کنوانسیون برای بقیه دولت‌های این اجلاس فرستاده ذکر کرده که محدوده بستر و زیربستر معین نشده و این کار باید با توافق دولت‌ها صورت گیرد. در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، کشورهای ساحلی خزر، به روش دو و سه جانبه بستر این

دریا را بین خود بخش شد و قسمت جنوب بین ایران و ترکمنستان و آذربایجان به علت اختلافات بر سر قلمرو هر کشور صورت نگرفته است. شایعاتی مبنی بر سهم ۵۰ درصدی ایران از دریای کاسپین شنیده می‌شود که البته پایه و اساسی ندارد. عده‌ای به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مستند می‌کنند در صورتی که این دو قرارداد هیچگاه مالکیت دریا را تعیین نمی‌کنند.

۲-۴ خلاهای ناشی از مقررات بر فلات قاره در کنواسیون قزاقستان

به نظرمی رسد باید از هم اکنون برای مذاکرات آتی خزر با طرف های آذربایجان و ترکمنستان پیوست. رسانه ای مناسب برای توجیه افکار عمومی فراهم شود تا بتوانیم عزم و باور ملی را برای رسیدن به سهم منصفانه و عادلانه در خزر به کار گیریم:

بر اساس این متن موضوع تعیین خطوط مرزی و مبدا سرزمین های مجاور خزر، در بخش جنوبی بین ایران و جمهوری آذربایجان از یک سو و بین ایران و ترکمنستان از سوی دیگر موکول به مذاکرات آتی بین این سه کشور شد. قرار شده زمانی که مذاکرات به این سه کشور به نتیجه برسد، مواد توافق شده با جلب توافق هر پنج کشور، به کنوانسیون خزر اضافه شود. در اجلاس آکتائو، شش موافقتنامه امضا شد که زمینه های خوبی برای همکاری های آینده میان پنج کشور فراهم می کند. (بهشتی پور ۱۳۹۸، ۵۴)

در مطلب پیش رو تلاش شده بر اساس روش تحلیل SWTO متن کنوانسیون رژیم حقوقی خزر، بررسی شود. در این روش برای ساده سازی کار مهمترین فرصت ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف این کنوانسیون بدون توجه به عوامل داخلی و یا خارجی از منظر منافع ملی ایران ارزیابی شده است .

۲-۴-۱: فرصت ها و تهدیدها

۱. کنوانسیون خزر با آنکه در باره بیش از نود درصد موضوع های مهم تعیین تکلیف کرده اما ده درصد باقی مانده بسیار مهم و تاثیرگذار است. از جمله تعیین خطوط مرزی آبی بین ایران و جمهوری آذربایجان و ایران و ترکمنستان و تعیین مبدا سرزمینی برای این سه کشور در خزر تاثیر تعیین کننده برای هر سه کشور در آینده دارد. به نظر می رسد مذاکرات سختی در این زمینه در پیش باشد.

۲. در ماده یک که ۱۵ مفهوم کلیدی کنوانسیون را بیان کرده درباره تعریف خزر بیان شده: «توده آبی احاطه شده توسط قلمرو خشکی طرف‌ها و رسم شده بر روی نقشه‌های ناوبری دریایی انتشار شده به وسیله اداره کل ناوبری و اقیانوس‌شناسی وزارت دفاع روسیه، سن پترزبورگ، با مقیاس ۱,۷۵۰,۰۰۰ به شماره ۳۱۰۰۳، نشر آرشیوی مورخ ۱۷,۴,۱۹۹۷، منتشر شد در سال ۱۹۹۸؛ شماره ۳۱۰۰۴، نشر آرشیوی مورخ ۷,۴,۱۹۹۸، منتشر شد در سال ۱۹۹۹؛ شماره ۳۱۰۰۵، نشر آرشیوی مورخ ۱۶,۱۱,۱۹۹۶، منتشر شده در سال ۱۹۹۸ که رونوشت آنها پیوست این کنوانسیون و جزء لاینفک آن می‌باشد.»

از آنجا که خزر براساس این تعریف یک توده آبی محصور در خشکی ذکر شده مشمول حقوق دریاها نمی‌شود و از جهت آنکه در عمل دریای خزر در چارچوب حقوق دریاچه‌ها قرار می‌گیرد امری مثبت است. زیرا مانع از آمد و شد کشتی سایر کشورها بدون هماهنگی با پنج کشور ساحلی می‌شود و بر اساس ماده سوم بند یازدهم منحصر به کشتی‌هایی است که از پرچم یکی از کشورهای ساحلی استفاده کنند .

اما نکته مهم در این ماده آن است که با گذشت بیش از ربع قرن از فروپاشی شوروی، در این ماده همچنان به نقشه‌های تهیه شده توسط وزارت دفاع روسیه استناد شده است. انتظار می‌رفت در ۲۵ سال گذشته از طریق مشارکت جمعی این امکان برای چهار کشور ساحلی خزر بوجود می‌آمد تا از طریق همکاری با روسیه نقشه‌های توافق شده بین کارشناسان هر پنج کشور پس از مطالعات زمین‌شناسی و جغرافیایی و اقیانوس‌شناسی بدست می‌آمد. اما در حال حاضر مستندات نقشه برداری از خزر براساس اسناد و نقشه‌هایی است که در وزارت دفاع روسیه تهیه شده است.

یکی از مشکلات مهم کنوانسیون خزر این است که بخاطر به نتیجه رسیدن مذاکرات، طرفهای مذاکره‌کننده تلاش کردند در موارد حساس که احتمال بروز اختلاف وجود داشت، از وارد شدن به جزئیات خودداری کنند. در نتیجه در موارد مهمی که باید برای جلوگیری از سوء تفاهم آینده و تفسیرهای گوناگون وارد جزئیات می‌شدند، به بیان کلیات اکتفاء کردند. به عنوان نمونه در ماده دوم بند ۲ آمده: این کنوانسیون حقوق و تعهدات طرف‌ها در مورد استفاده از خزر شامل آب‌ها، منابع طبیعی آن و فضای هوایی بر فراز دریا را تعیین و تنظیم می‌کند. اما در متن هیچ اشاره به این موضوع نمی‌شود که حقوق و تعهدات طرفها در بستر و زیر بستر چگونه تعیین می‌شود و اگر مذاکرات به نتیجه نرسید چه باید کرد .. در ماده هفتم به ویژه در بند دوم در باره تعیین حدود آب‌های سرزمینی مواردی مطرح شده است که احتمال تفسیرهای گوناگون از آن وجود دارد و همین مساله ممکن موجب به نتیجه نرسیدن مذاکرات آتی در باره تعیین مرزهای آبی شود .

در بند دوم ماده هفتم کنوانسیون رژیم حقوقی خزر آمده: « دورترین تاسیسات دائمی بندری که جزء لاینفک سامانه بندر را تشکیل می‌دهد، به عنوان قسمت تشکیل دهنده ساحل محسوب می‌شود. تاسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی نباید به عنوان تاسیسات دائمی بندری محسوب شود.» به دلیل تَعَقُر داشتن و مُضَرَس بودن سواحل ایران در خزر، برای ایران بسیار مهم است که خط آستارا - حسنتلی به عنوان مبداء شروع آبهای سرزمینی شناخته شود و پیش از آن آبهای داخلی ایران محاسبه شود. البته پذیرش این موضوع منوط به توافق با طرفهای ترکمنستان و آذربایجان است اما با توجه به اینکه بر اساس ماده اول در تعریف خط مبداء آمده: «نحوه مشخص کردن خطهای مبدأ مستقیم باید در موافقتنامه جداگانه‌ای بین همه طرف‌ها تعیین شود. شکل ساحل، یک کشور ساحلی را در مشخص شدن آب‌های داخلی‌اش در حالت نامساعدی قراردهد، این وضعیت هنگام ایجاد روش فوق به منظور به تفاهم رسیدن میان همه طرف‌ها رعایت خواهد شد.» انتظار می‌رود طرف‌های مقابل بر پایه اصل انصاف در حقوق بین‌الملل و منافع متقابل در همکاری در خزر با ایران در این مورد به توافق برسند زیرا این حداقل موضوع مورد انتظار برای ایران از مذاکرات آتی خواهد بود. آوردن چنین پارگرافی در متن اصلی کنوانسیون یک فرصت مناسب برای به نتیجه رساندن مذاکرات آتی خواهد بود .

جازه عبور لوله‌های نفت و گاز از بستر خزر که در ماده ۱۴ به رسمیت شناخته شده است هم یک فرصت می‌تواند باشد به جهت آنکه به ترکمنستان اجازه می‌دهد از خزر بتواند برای صادرات گاز استفاده کند. این اگرچه ممکن است برای ایران مطلوب نباشد زیرا ایران ترجیح می‌دهد گاز ترکمنستان از ایران به ترکیه و اروپا منتقل شود اما در واقع می‌تواند فرصتی برای همکاری سه‌جانبه بین ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان هم باشد زیرا برای تداوم همکاری‌های منطقه‌ای گره زدن منافع اقتصادی به یکدیگر می‌تواند پایداری همکاری‌ها را در سایر زمینه‌ها تضمین کند. در همین حال این موضوع یک نوع تهدید هم برای آلودگی محیط زیست خزر محسوب می‌شود. بویژه که ممکن است با زمین لرزه‌های احتمالی به فاجعه زیست محیطی تبدیل شود. با این حال در ماده ۱۴ بند دوم کنوانسیون تأکید شده «مشروط بر آن که پروژه‌های آنها با استانداردهای زیست محیطی و موافقتنامه‌های بین‌المللی که دولتها تطبیق داشته باشند.» این خود تا حدودی می‌تواند نگرانی‌های موجود را کاهش دهد در صورتی که ملاحظات زیست محیطی از سوی طرفهای مجری پروژه‌ها و بهره‌برداران و کشورهای ذی‌نفع بطور کامل در نظر گرفته شد .

نتیجه‌گیری

کنوانسیون حقوقی خزر بعد از چندسال گفتگو میان نمایندگان کشورها در امور خزر و اجلاس های متعدد در سطح معاونین و ورزای امور خارجه و حداقل پنج نشست رسمی در سطح سران به متنی رسیده است که زمینه ساز رفع اختلاف های موجود و فراهم کننده بسترهای مناسب برای همکاری درزمینه های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و زیست محیطی و علمی شده است گامی اساسی و رو به جلو برای هر پنج کشور محسوب می شود. کنوانسیون خزر در ماده اول مفاهیم پایه را به گونه ای تعریف کرده است که نتوان برداشت متفاوتی از موضوع های مطرح شده ازاین کنوانسیون را ارائه کرد. از این جهت یک نقطه قوت است اما بخاطر اینکه در موضوع های مورد اختلاف صرفا به مذاکرات بین اعضاء اکتفاء کرده نقضی جدی مشاهده می شود در این مورد در ماده ۲۱ بند اول و دوم آمده است: «۱. اختلافات مربوط به شرح و اجرای این کنوانسیون توسط طرفها از روش مذاکرات مرتفع گردد. ۲. هرگونه اختلاف بین طرفها در رابطه با تفسیر یا اجرای این کنوانسیون که طبق بند ۱ این ماده حل و فصل نشود، می تواند با صلاحدید طرفها برای حل و فصل به سایر روش های مسالمت آمیز که در حقوق بین الملل پیش بینی شده، ارجاع شود.» متاسفانه این ماده به این سؤال مهم پاسخ نمی دهد که اگر کشورها به هر دلیل در باره یک یا چند موضوع اختلاف پیدا کردند و نتوانستند آن اختلاف را بین خود حل کنند از چه شیوه صلح آمیز در حقوق بین الملل استفاده کنند؟ به نظر می رسد لازم بود در اینجا به یک یا چند مورد از این روش ها یا مراکز بین المللی مانند دیوان بین المللی لاهه اشاره می شد. در ماده یازدهم کنوانسیون رژیم حقوقی خزر که تفصیلی ترین ماده این کنوانسیون محسوب می شود چهل موضوع مهم در ۱۶ بند که بعضی از بندها خود شامل چند موضوع می شود به موارد مهمی در باره کشتیرانی و حق انحصاری استفاده از پرچم کشورهای ساحلی کشورها در خزر به تفصیل پرداخته است. همچنین در باره موضوع برگزاری رزمایش و استفاده از تجهیزات نظامی در خزر به موارد مهمی اشاره دارد. این ماده و بندهای مربوط به آن از جهت آن که بنوعی حضور نیروی نظامی دیگر کشورها در خزر را ممنوع می کند، فایده بسیار مهمی برای این کنوانسیون محسوب می شود که می تواند به فرصتی برای تبدیل شدن خزر به دریای صلح و دوستی کمک کند. اما از آنجایی که مشخص نکرده اگر کشوری خارج از منطقه خزر تحت پرچم یکی از کشورهای ساحلی خزر اقدام به استفاده از کشتی نظامی کرد یا در رزمایش در آبهای مشاء خزر شرکت کند، در این صورت آیا دیگر کشورهای ساحلی خزر حق اعتراض خواهند داشت و یا اگر کشور مورد نظر به اعتراض توجه نکرد چه کار باید کرد. این نکته از آن جهت مهم است که کنوانسیون خزر باید مانع از هرگونه نظامی گری در خزر بطور عام و بصورت خاص مانع از مداخله کشورهای فرامنطقه ای و غیر ساحلی در خزر بشود

منابع:

۱. علیرضا افشاری (۱۳ مهر ۱۳۹۷). «موضوع سهم ایران از دریای کاسپین واکاوی شد - امکان ارجاع به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰». ایران بوم
۲. رابین چرچیل و آلن لو، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران: گنج-دانش، ۱۳۷۷، عمید، حمید، به طور یکسان و برابر؛ علی السویه - فرهنگ فارسی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۸
۳. سعیدمحمودی مصاحبه ایسنا با استاد (کارشناس و استاد حقوق دریاها) ۱۳۷۹ ۶ شهریور
۴. بیگدلی ضیایی محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران: کتابخانه گنجدانش، ۱۳۸۵، صفحات ۳۴۹ و ۳۵۰.
۵. مطالعات اجتماعی پایه ۹ نهم. (PDF). ۱۳۹۶. ص. ۲۲. شابک ۹-۲۴۴۵-۰۵-۹۶۴-۹۷۸.
۶. متین دفتری، احمد سیر تحول حقوق بینالملل دریایی: از گروسیوس تا کنفرانسهای ژنو، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷
۷. مقتدر، هوشنگ حقوق بین الملل عمومی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲
۸. Antonio Cassese, International Law, Second Edition, New York:
۹. Don Walsh, [Protection and Preservation of the Marine Environment and Marine Scientific Research at Third United Nations Conference on
۱۰. Edward D. Brown, Freedom of scientific Research and Legal Regime of Hydrospace, Indian Journal of International Law, No. 9, 1969, 353 p.
۱۱. Research and Legal Regime of Hydrospace, Indian Journal of International Law, No. ۹, ۱۹۶۹,
۱۲. Current Issues, in Law, Science and Ocean Management, edited by:
۱۳. -Deventer, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1982, 261-262 pp. Alfred

۱۴. Ronán Long, Marine Science Capacity Boulding and Technology Transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the 1982 UNCLOS,
۱۵. M. H. Nordquist and Others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, 2007, pp. 299-311, at 299- 300 pp.
۱۶. M. P. Crosby, Improving International Relations Through Marine Science Partner Ships, in M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, 2007, 271-293
۱۷. the Law of the Sea]: Comment, Law and Contemporary Problems, vol. 46, No.
۱۸. Thomas T. Koh, A Constitution for the Oceans, Remarks made by the President of the Third United Nations Confererence on the Law of the Sea on December 6 and 11, 1982, at final session of the Conference at.